

فرهنگ‌پژمان

فکر و اندیشه

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

فرهنگ‌پژمان

چهارشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۳

شماره ۴۲۱۸

فروشگاه

فروشگاه

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فروشگاه

FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ‌پژمان

یادالله کریمی پور، استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه خوارزمی در نشست تخصصی با موضوع «گذری و نظری بر چالش‌های استراتژیک ایران» که از سوی دانشگاه جنگ ارتش برگزار شد، به ارائه سخنرانی پرداخت و به پرسش‌های مخاطبان پاسخ داد. کریمی پور ضمن ارائه تعریف روشن استراتژی و انتزاعی و مجرد دانستن آن و توصیف راه طی شده و شرایط آن، سه ضلع مثلث استراتژی را علائق، منافع و توانمندی برشمرد که راستای هر گونه طرح و برنامه‌ریزی مکتوب و محاسباتی برپاده راهنمای عمل قرارگیرد و باتوجه به چالش‌های پیش‌روی استراتژیکی امکان تغییر استراتژی و بازنگری آن مدنظر مدیران و مسئولان قرار گیرد.



امروزه کسی پیروز است که روی کاغذ پیروز باشد. اگر روی کاغذ پیروز نباشد، میدان ارزشی ندارد. این درست برخلاف آن چیزی است که ژورنالیست‌ها در ایران مطرح می‌کنند. یعنی وقتی وارد میدان می‌شوید و تازه قصد دفاع و جنگ دارید، شکست خورده‌اید. چرا سیدحسن نصرالله وارد جنگ نمی‌شود؟ چون می‌داند شکست خورده است. اگر او بخواهد در این وضعیت کنونی به این شکل عمل کند، شکست می‌خورد. ژورنالیست‌ها یا احساسات‌گرایان یا نادانان نمی‌توانند جنگ را پیش بینی کنند. کسی مفسر است که بتواند قطعا پیش‌بینی کند و بداند که قطعا اینچنین خواهد شد؛ نه از یک روز یا دو روز قبل آن، بلکه از یک یا دو سال قبلش این را پیش‌بینی کند. جنگی بین ایران و اسرائیل صورت نخواهد گرفت. ما باید در مقیاس یک یا دو ساله بتوانیم روی کاغذ پیروز باشیم. میدان متعلق به کسانی است که می‌خواهند طرح‌ریزی می‌خواهم بگویم امر استراتژی، امری انتزاعی و مجرد است. امری است که ربطی به جنگ و میدان ندارد. تا زمانی استراتژی مطرح است که در اتاق فکر باشد، وقتی به جنگ رسید دیگر استراتژی کاربردی ندارد و تاکتیک‌ها هستند که استفاده می‌شوند. مثلا چرچیل و دیگران هیچ وقت نگفتند عملیات نوزماندی استراتژی است، بلکه گفتند تاکتیک است.

استراتژی قیلاطرحی شده است. استراتژی مثل یک عقاب است که همه مسائل را می‌بیند و سپس یکی از بخش‌های استراتژی، بخش نظامی می‌شود. تعریف نتانگان از استراتژی، فن ترکیب قدرت ملی به منظور پیروزی بر دشمن است. وزارت دفاع فرانسه می‌گوید استراتژی فن بهره‌گیری از قدرت ملی در هنگام جنگ و صلح است.

ایران و راه طی‌شده

داستان ایران، داستان یک اتوبوس است که ۴۵ سال پیش با ۳۰ نفر حرکت کرده است. خوب این اتوبوس در کنار ۱۵۹ اتوبوس دیگر در جاده حرکت کرده است و بد هم نهفته بود، خیلی خوب هم حرکت نکرده است، ولی حرکت می‌کرد. این اتوبوس بعدا ۹۱ نفره شد. اولین بحثی که پیش می‌آید ترتیبی برای جادادن افراد است که باید تمهید می‌شد. نه اینکه به یکباره ۳۰ نفر بشوند و مساله بعدی این است که این اتوس با عنوان گلو نوسازی نشده است. باید لاستیک آن عوض می‌شد و موتورش بازسازی و نوسازی می‌شد. خوب مدیران در این فکر نبودند یا نتوانستند. مساله بعدی این است که ۱۹۳ عضو ملل متحد داریم که ۱۷۸تای آن دارای حق حاکمیت هستند. آن زمان ۱۶۹ عضو بودند. بیشتر این اتوبوس‌ها در مسیری که ما می‌رفتیم دوستان ما بودند، مثل جمهوری خلق چین یا ویتنام و… در دشمنی نداشتیم و تنها یک دشمن داشتیم که آن هم عراق بود. از اول حرکت هم با ۵۶ درصد تجهیزاتی که داشتیم، گفتند حواس‌مان به عراق باشد. کاری به هم نشوری نداشتیم. یک لشکر در تبریز داشتیم که آن را هم منحل کردند و همه تمرکز نظامی ما از حاج عمران تا نهرخین روی عراق قرار گرفت. امنون‌هایی که ارتش انجام می‌داد هم به این گونه نبود. مثلا دیگران یک نیروی دریایی دارند، ما دو نیروی دریایی داریم. آنها یک نیروی هوایی دارند، ما دوتا داریم و همین طور برخلاف دیگران دو نیروی زمینی داریم. سوومین مساله این است که ما در این مسیر متحدان و دوستانی داشتیم که بعضی‌ها به ما زور می‌گفتند و بعضی‌های می‌خواستند در خدمت آنها باشیم. در هر صورت، این اتوبوس برای راه رفتن نیاز به توقفگاه و ایستراحتگاه و حمایت‌هایی دارد. مثل دلجانی که نیازی به اسب‌های تازه نفس دارد. اتوبوس ما در این راه رها شده است و خودش راه می‌رود. مساله مهم‌تر این است که بین راننده‌ها و میهمانانران و مدیران هم قدرت اخلاقی ضعیف است. قدرت اخلاقی عبارت است از میزان تبعیت افرادی که در این اتوبوس با فرمانده هستند. شش قدرتی که استراتژی ملی را تشکیل می‌دهد و استراتژی نظامی جزئی از استراتژی ملی است، میزان وفاداری مردم به دولت است. این را قدرت اخلاقی می‌گویند. همه اینها جنبه نظامی دارد. در یونان به کسی که فرمانده سپاه بود «استراتوگوس» می‌گفتند، یعنی سپهبد و استراتژی سپهبدانه است؛ نه آن چیزی که آقای حداد عادل نام راهبرذ برابری آن گذاشته است. این کلمه‌ها را که تخطئه می‌کنند بقیه‌اش هم خراب می‌شود. یک کلمه زیبا مثل سپهبدانه که «سوزنا» اجراکرد را این گونه خراب می‌کنند. من چیزی حدود ۲۴۰ صفحه تاریخ راجع به این حرکت خرا که سوزنا انجام داد دیدم که واقعا شگفت‌انگیز است. تروای‌ها جو مونگ را از اشکاتیان گرفته‌اند و آن را تبدیل به جومونگ می‌کنند! لشکر سبکا اسلحه، سنگین اسلحه را نشان می‌دهند. پارتیزانی که می‌گویند از پارت‌ها گرفته شده است که آنها این فرار و گریز را پایه‌ریزی کردند. این قدرت اخلاقی هم اینجا میان سرنشینان و مدیران تضعیف شده است. پس داخل این اتوبوس چه می‌شود؟ قدرت کارآمدی اداره این اتوبوس کم شده یا از دست رفته است و در مجموع قدرت سبقت گرفتن از آن را گرفته است. ما قرار بود چند چهره پنج قدرت اول باشیم. به گمان من خلأهای استراتژیکی ایران اول از قیف یا مثلث استراتژی است که در رأس آن علائق و دبلیستکی‌ها، در سمت دیگر توانمندی‌ها و در سمت دیگر منافع است. میان این علائق و دبلیستگی‌هایمان که قانون اساسی برپایمان مشخص کرده است، ۱۱جا آمده است باید به دیگران کمک کنیم. وزن ما کم است، اما بارمان سنگین است. باید این سه با هم تطبیق داده شوند.

دسته‌بندی قدرت‌ها

ایرقدرت تعریف دارد؛ قدرتی است که در چهار بعد قادر به اعمال استراتژی در ۵۱۰ میلیون کیلومتر زمین است که الان تا ۲۶۵ کیلومتر فضا را هم اضافه کرده‌اند که چهار پنج برابر این ۵۱۰ میلیون کیلومتر می‌شود و آنجا هم باید قدرت داشت. ایرقدرت باید بتواند در بعد تنبیه، پاداش، قدرت دبیلماکتیک و قدرت استفاده از قوه قهریه در ۵۱۰ میلیون کیلومتر عمل کند. چین می‌تواند این کار را کند؟ خوب نمی‌تواند. بنابراین یک قدرت فرامنطقه‌ای است. بعد از آن هفت قدرت فرامنطقه‌ای وجود دارد. ۱۷ منطقه ژئوپلیتیک وجود دارد که در ۴ اتای آن قدرت برتر منطقه‌ای داریم و چهارمین نیز قدرت منطقه‌ای است. ما قدرت منطقه‌ای هستیم. ما در کنار ترکیه، اسرائیل، مصر و عربستان قدرت منطقه‌ای هستیم. رتبه پنجم هم قدرت‌های ملی است که بیشتر دولت‌های دنیا در این مرتبه هستند. چرا ما باید خودمان را یک قدرت بزرگی یا ایرقدرت جلوه دهیم؟ در ابعدی بله قدرت داریم، چین هم در قدرت سیاسی ایرقدرت است، چون قدر و تو دارد. روسیه هم ایرقدرت است اما یازدهمین قدرت اقتصادی دنیاست. کالیفرنیا ششمین قدرت اقتصادی جهان است و از روسیه به مراتب جلوتر

۱۴

یدالله کریمی پور، استاد ژئوپلیتیک دانشگاه خوارزمی در نشست «گذری و نظری بر چالش‌های استراتژیک ایران»:

ایران ۳۲ مزیت نسبی دارد

است. چون روسیه در قدرت سیاسی حق وتو دارد، پس قدرت اول جهان است؟ نه. این استراتژی ملی روی شش عنصر است؛ قدرت تنبیه، قدرت پاداش، قدرت دبیلماکتیک و قوه قهریه، قدرت اخلاقی؛ کشوری که چهار مورد از این شش مورد را داشته باشد، ایرقدرت است. اگر یکی از این سه باشد، قدرت فرامنطقه‌ای می‌شود. در سطح منطقه‌ای اگر باشد می‌توان هند، برزیل و استرالیا را مثال زد که قدرت برتر منطقه‌ای هستند.

چالش‌های استراتژیک پیش‌رو

۱- بین سه رکن علائق، منافع و توانمندی توازن برقرار نیست. توانمندی ما، توانمندی محدودی در سطح یک قدرت منطقه‌ای است. ولی علائق، آرزوها و دبلیستگی‌هایمان در حد یک قدرت منطقه‌ای حداکثر است. امارات اسکان این را به‌نظم دارد که یک ایرقدرت منطقه‌ای شود، با وجود اینکه کوچک است. با ترکیه رقابت می‌کند. همین هم برای ما مساله است که آیا ما یک قدرت منطقه‌ای خواهیم ماند یا نه؟ سال ۸۶ اطلس استراتژیک ایران را طراحی کردیم، ۱۹۳ پیش‌بینی در آن بود که همه آنها دارد به‌وقوع می‌پیوندد. در درازمدت نمی‌توان با احساسات اداره کرد و نباید به چیزی که روی کاغذ نیست دل بست. این حرف‌های ژورنالیست‌ها را باور نکنید.

۲- ما فاقد متحد استراتژیک هستیم. لیدل هارت می‌گوید کی می‌خواهی وارد جنگ شوی؟ ناراست و چپ و پشتت محکم نباشد نمی‌توانی وارد جنگ شوی. لیدل هارت تا ۱۹۷۴ زنده بود. دو جنگ را در بریتانیا هدایت کرد. او به چرچیل گفته بود برای هیچ عملیاتی بیرون نگذار، مگر اینکه پشتوانه داشته باشی. خوب با این چهار تا پایگاه که داری در برابر ۸۲۵ پایگاه جگونه می‌توان جنگید. متحد استراتژیک بودن از لوازم اولیه است. آیا عراق متحد استراتژیک ما است یا روسیه متحد استراتژیک ما است؟ اگر پیدا کردید که روسیه یا چین یکبار گفته باشند متحد استراتژیک ما هستند، ما برای همیشه ساکت می‌شوم. امکان ندارد آنها ما را متحد استراتژیک خودشان باندند. روسیه دنبال این است که متحد استراتژیک چین و هند باشد. چرا باید دنبال ما باشد. آنها از شرایط این اتوبوس ما آگاهند و خوب می‌دانند چه وضعی دارد.

۳- عامل بعدی کارآمدی است. این دولت‌ها در ایران از بازگان تا الان ناکارآمد بوده‌اند. من از پزشکبان دفاع کردم تا جلوی فاجعه را بگیرم و تاکنون پزشکبان را ندیده‌ام. از سال ۶۴ که یک گردش علمی با دانشجویان به آذربایجان رفتم معتقد بودم باید یک آذری رئیس جمهور ایران شود. یک رئیس جمهور باید از زاکرس و آذربایجان دیگر انتخاب می‌شد. اساس استراتژی، تغییر استراتژی است. مولکته می‌گوید: بمرور وقتی دوست نداشته باشی. او چگونه می‌توانست به آردن حمله کند؟ جنگ متفان را تاکی می‌شود راه انداخت. جنگ نامتفان را یک جنگ ۴۰ و ۵۰ روز و دو جنگی سریع است. مادریک جنگ کلاسیک مخفیانه هم اگر باشیم، او یک توطئه هم به ما شلیک نخواهد کرد. طی این همه سال آمریکایک شلیک به ما نکرد اما ببینید به عراق و افغانستان، سومالی و لبنان حمله کرد و دیگر هم حمله نخواهد کرد. دوره این حمله‌ها گذشت. عملیات هوایی و… انجام می‌دهد اما دیگر اولر شلرکشی‌شود سه تیلیارد دلار ی نخواهد شد. اصلا شش که ریپ نریزد. این چند نفری که قرار است برنامه‌ریزی کنند باید روی کاغذ محاسبه کنند. ما باید برای کارآمدی بتوانیم سبقت بگیریم. قدرت اخلاقی از این شش قدرت مهم‌تر است، یعنی میزان وفاداری نسبت به بقای کشور که پنج اصل دارد: استقلال، حفظ یکپارچگی ملی، توسعه متوازن پیش‌رونده و دفاع از میراث فرهنگی و تاریخی که لایه‌اش قدرت اخلاقی است. باید بین مردم برابری به وجود آورد. قدرت اخلاقی این است که مردم احساس برادری و برابری کنند و همه یکی باشند.

۴- توان حل وفضل با دیگران بسیار مهم است. دولتی که اتوبوسش در راه خراب شد باید از دیگران کمک بگیرد. ما تعدادی حل وفضل با همسایگان را حداقل باید داشته باشیم. یک بیمار ۵۰-۴۰ ساله به نام سه جزیره داریم. این مال ماست. امارات را در یک مذاکره خیلی قوی باید مدیریت کرد. بگویم حاکمیت این جزایر با ماست و شما بیایید اینجا مثلا سرمایه‌گذاری کنید. مسائل مالزی و اندونزی و برونی درمورد جزایر زیاد بود. بگویم ۱۰ تا ۲۰ سال بعد صحبت کنیم. ما سرمایه‌گذاری سه چهار تیلیارد دلار لازم داریم، با ۱۰ یا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری که گریه امارات می‌قهر می‌کند. ۳۵۰ میلیارد دلار صادرات کیف و کفش تایوان است. مگر با ۲۰ یا ۳۰ میلیارد دلار ما می‌توانیم توسعه پیدا کنیم؟ ما باید با همسایگان مان سازش کنیم. موتور محرکه و قدرت توافق با همسایگان را با داشته باشیم. برخی جاه‌نایز به خشونت است. در سطح تاکتیکی، جایی که من بیشترین هراس را از آن دارم افغانستان است. به قول دکتر ولایتی اینجا با یک نان خشک (تعبیر دریاه یعنی‌ها) می‌ایستند و مقابله می‌کنند. درحالی‌که ۷۴ درصد مردم هرات معتقدند ما باید به ایران برگردیم. ما که دنبال فاشینسم یا امپریالیسم نیستیم ما باید بدانیم که قدرت حل وفضل مسائل را داریم.

چهار پنج میلیون سال است که آب هیرمند به ایران سررازیر شده است، یعنی قبل از اینکه بشرف آوریده شود. این آب را قطع کرده‌اند بزرگ‌ترین رود فلات مرکزی ایران است. مساله به جایی رسیده است که اکنون ما بیشترین میزان نشست زمین را داریم و نمی‌توانیم مساله هیرمند را حل کنیم. شفیق هویدا، دولت وابسته و نوکر شاهنشاهی ۲۶ متر مکعب را با نوره‌محمد تروکی برای ما امضا کرد. الان وقتی سیل می‌آید این آب را روانه می‌کنند تا نیمه چاه‌ها پر شود. از آن طرف دارند آن سوی ارس سد می‌زنند. ما باید قدرت حل وفضل اینها را داشته باشیم. بهترین قرارداد صد سال ایران قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره است که کسی جرات نکرده به عراقی‌ها درمورد این قرارداد چیزی بگوید! صدام این قرارداد را پایه کرد. جنگ تمام شد و ما هنوز جرات نداریم اسم این قرارداد را بیاوریم. کردستان عراق را سپهبد قاسم سلیمانی نجات داد. آنجا ما نیروی زمینی داشتیم و آمریکایی‌ها نیروی هوایی و با هماهنگی شکست خوردند و عراق نجات یافت. هنوز که هنوز است در کتاب‌هایشان می‌نویسند شط العرب! کدام عهدنامه صلح؟ آنها روی حرف‌شان هستند و می‌مانند! ما باید مکانیسم و قدرت حل وفضلی داشته باشیم که تابع جایگاه داشتن در عالم است.

الان چه کنیم؟ روی نفت بندیم؟ غیر نفت چه داریم؟ ما اصلاحی‌گویییم نفت صادر نکنیم. دیگر چه داریم؟ باید قوی شویم. قوی شدن ما با پر کردن این خلأهای استراتژیکی است. یک میرزی بگذارید و مناظره کنید. ببینیم چه ایده‌ای نسبت به این کشور و ملت داریم و می‌خواهیم به کجا برسیم؟ همه ما طالب پیشرفت کشور هستیم و دوست داریم کشور مستقل فلسطینی تشکیل شود. همه ایرانیان منتقد کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل هستند و یکی از چهار پنج کشتار این ۵۰-۴۰ سال اخیر مربوط به تانیا‌هوسم. ما نباید در خلا و در فضای خالی حرف بزنیم.

رابطه مردم و حاکمیت

در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری شاهد افزایش میزان مشارکت‌نسب به دور اول بودیم. ببینید ۹۰ درصد مردم به میدان نگاه می‌کنند. شاهد مثال آن ۴۰ درصد رای دهنده است که طی دو هفته به بالای ۵۰ درصد رسید که اگر بیشتر طول می‌کشید بیشتر افزایش پیدا می‌کرد. امثال کریمی‌پور که آمدند و امیدواری دادند تا وارد فاجعه نشویم، آرای دور دوم ۱۰ درصد بیشتر شد. پس بیشتر مردم

اگر ببیند امیدی هست گرایش پیدا می‌کنند. البته زیربنای این ناکارآمدی به نظر من دیرینه بود و از قدیم این‌را گفته‌ام. مردم کارآمدی می‌خواهند و اینکه ایران آباد و وضع زندگی شان خوب باشد. اگر پزشکبان آرام آرام با یک توافق ملی آرزوهای مردم را محقق کند، باز هم امیدی هست به سطح بررسی‌های استراتژیک برسیم. من اعتقاد دارم جمهوری اسلامی بالاخره این را متوجه می‌شود که این راه انتخاب‌شده باید با تغییر طی شود. استراتژی در نفس خودش با تغییر همراه است و بدون آن معنی ندارد. ما با دشمنان متعدد و مواضع متعدد مواجیم. ببینید چند سال دیگر یک ژنیور وارد انگوز می‌شود و تانکی را از کار می‌اندازد و دیگر نیازی به جاوین نیست. این ۵۰ سال دیگر نیست! دو سه سال دیگر این اتفاق می‌افتد. خوب ما باید تغییر رویه بدهیم. هرچند وقت یک بار باید استراتژی‌های کلی مملکت در اتاق استراتژی تغییر پیدا کند.

امت‌گرایی یا ملیت‌گرایی

امروز اساس جهان بر دولت-ملت است. استالین مثلا کمینترن را برای ایجاد دولت بدون کشور درست کرد و شکست خورد. او از برلین راند تا رسیدن به استالینگراد ۱۹ میلیون کشته داد و شکست خورد. اولین سرود ملی روس‌ها را که نواختند پیروزی‌های او شروع شد. در کمونیسم ما ملت و کشور نداریم. مسلم است که الان اساس ما دولت-ملت است و این مربوط به الان هم نیست بلکه ۶۰۰-۵۰۰ سال است که این اصل است. ما باید به تناقض‌ها دقت کنیم. کشوری که جنگ را به ما تحمیل کرد مگر مسیحی بود؟ شیعه بود. اینکه کدام کشور با ما قطع ارتباط کرده است؟ بحرین؛ ۷۰ درصد شیعه است. آذربایجان با ما خوب نیست و اکثریتش شیعه است. امت‌گرایی در ذهن هست، ولی در عمل پاسخ نمی‌دهد. در همین سرود ملی لبنان کلمه لبنان ۲۲ بار آمده است، در سرود ملی جمهوری اسلامی چند بار اسم کشور به کار رفته است؟ این یعنی ملت. این ایران است. شیخ عباس زمانی وقتی نوروز با محرم در یک روز افتاد نصف روز را جشن گرفت و نصف روز را عزاداری کرد. آل‌بویه نوروز را جشن می‌گرفت و عاشورا را هم در هزار و اندی سال پیش عزاداری می‌کرد. خود فردوسی ۱۱۱۲ بار آن هم هزار و خرده‌ای سال پیش اسم ایران را به کار برده است. این ایران است. هردوت به خاطر این با ایران بد شد که به پدرش شناسنامه هخامنشی ندادند. نینقی‌ها دعوا می‌کردند که ایرانی هستند و جزء مملکت ایرانند. تا جهان بر پایه دولت-ملت است ملت‌ها پاری‌جا هستند.

ژئواستراتژی چیست؟

استراتژی مثل طبقه دهم است و ژئواستراتژی طبقه پنج با ششم است. استراتژی در درون استراتژی است. ژئوپلیتیک در درون استراتژی است. ژئواستراتژی و جغرافیای نظامی با هم هم خوان هستند. جغرافیای نظامی محلی است. مثلا جغرافیای تپه‌ها و ماهورها، دره‌ها و… است و برای کشور به درد می‌خورد. ژئواستراتژی به درد اقیانوس و کویر می‌خورد. ما یک صحنه ژئواستراتژی به اسم اقیانوس کبیر داریم. ۴۰ سال پیش اقیانوس اطلس بود. استراتژی در مقیاس جهانی استفاده می‌شود. استراتژی باید قابل اعمال باشد نه اینکه تنها فاکتور شود. مشخص ما باید با آن تطبیق داشته باشد. ژئواستراتژی به درد استراتژی بزرگ می‌خورد. استراتژی سه بخش است: استراتژی بزرگ، استراتژی ملی، استراتژی نظامی. ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ژئوکالچر و… در درون استراتژی هستند. هنر ترکیب قدرت ملی به‌منظور پیروزی بر دشمن است که در حال حاضر قدرت هفتم یعنی سایبرنتیک هم به آن شش قدرت پیشین اضافه شده است.

بحران مهاجران غیرقانونی افغانستانی

این مساله بستگی به شرایط دارد ولی پیروزی معمولاً بدون جنگ است. جنگ در همین حدی که قرآن گفته: «واعذلالمهم ما استطعتم من قوه و من ریابط… برای ترساندن و برای اقتدار نیروی نظامی‌است. بهترین پیروزی‌ها از طریق جنگ به دست نمی‌آید. شش وسیله قبل از جنگ را اشاره کردم تا به جنگ برسیم. باید با کارآمدی وارد شد. زمانی که از لنزوا خارج شویم و نیروی هوایی مان مثلا ف ۲۲ اف ۲۵ و رافائل و میراژ باشد، نه میگ ۲۱ که تیر و کمان بشود آن رانداخت. ما متحدانی داریم که مقابله با طالبان را اساس قرار دادند. من دو سال پیش گفتم هرات واقعا برای ما حیاتی است. از زمان محمدشاه قاجار گفتم هرات‌ها تمایل دارند به ایران بازگردند. ما این مستلزم شرایطی است که ازبکستان، تاجیکستان و پاکستان که الان خودش باید‌با گذار اینها بوده است، نسبت به طالبان احساس خطر می‌کنند. قوی‌ترین سیستم اطلاعات جاسوسی جهان که بالاتر از سیا و موساد است، ای‌اس‌ای پاکستان است. آنها با چه دقت و به چه طرقی به این رسیده‌اند که افغانستانی‌ها را اخراج کنند؟ اگر ما در داخل بتوانیم آنها را سازماندهی کنیم کار بزرگی است. یکی از خلأهای استراتژیک ما این است که دولت-ملت سازمان یافته‌ای نیستیم. اگر سازمان یافته باشیم، چرا از این نیروها استفاده نکنیم؟

الان در شرایطی که سازمان یافته نیستیم هرآن ممکن است خطراتی درست شود. نمی‌توانم تصور کنم که چهار پنج ماه آینده چه تحولاتی از نظر سیاست خارجی خواهیم داشت. در هر صورت باید قوی شویم. اگر قوی شویم طالبان پر کاه قضیه است.

صلاح‌طلبی در منطقه

ما در منطقه به‌رحان صلاح‌طلب نداریم و کم هستند. چرچیل مقابل عثمانی و ایتالیا ایستاد. اما روزی که جنگ تمام شد گفت صلح! هر کاری که کرد مردم به او رای ندادند و حزب کارگری روی کار آمد. یعنی هنگام جنگ باید جنگ باشد و هنگام صلح هم صلح.

دریای خزر و قفقاز و همسایگان

ایران اکنون در هر مذاکره‌ای به‌نظم موضع قدرتمندی ندارد. کسی که وارد مذاکره می‌شود باید موضع قوی و پشتیبان داشته باشد. همین طوری نمی‌شود چپ و راست شمشیر کشید. نادرشاه می‌خواست یک حمله به هند انجام دهد، به خاطر اینکه قندهاری به دهلی به قول خودشان رفتند. دو ماه تمام نادر دنبال جمع کردن اطلاعات بود.

ما در خزر هم به جایی نمی‌رسیم اگر مذاکره باشد. ما در عرض قرار گرفته‌ایم و بقیه در طول آن قرار گرفته‌اند. چون ما در عرض هستیم و در پهن هستیم نمی‌توانیم مثلثی ایجاد کنیم و جلوی ترکمنستان و آذربایجان بایستیم. ۱۵ یا فوش ۱۷ درصد منابع به ما برسد. اگر توان چانه‌زنی بین المللی و حمایت را داشته باشیم، آن را می‌توانیم تا حداقل ده مایل شمع کنیم.

پاشینیان که به کنار، همه کشورها به دنبال توسعه اقتصادی هستند. اکنون ارمنستان روس‌ها را بیرون ریخت. بعد از دوپست سال ارمنی‌ها فهمیدند روس‌ها نازمد هستند. به قول عبدالناصر، روس‌ها یک کت به ما می‌دهند و یک دست از ما می‌گیرند. روس‌ها را زینتی‌ها را خسیس هستند. روسیه یک سرزمین بی‌خزده بوده است. آنها حاضر برقیه یک روبل همین طوری به دیگران الکی بدهند. ببینید ۵۵ درصد اسرائیلی‌ها روسی هستند. اولین کسی که اسرائیل را به رسمیت شناخت روسیه بود، حالا باید در خزر از ما حمایت کند؟ اولین کشور یهودی که به همین اسم برای یهودی‌ها درست شد را استالین ایجاد کرد. شما

به نقشه روسیه نگاه کنید. جمهوری یهودی روسیه را ببینید. هنوز هم هست و کنار رود آمور است. آنجا این جمهوری خودمختار یهودی است. می‌خواهم بگویم که پاشینیان هم برای دفاع از کشورش در این ۳۵ کیلومتری دنبال آن است که اقتصادش را متحول کند و به ناتو گرایش پیدا کرده است. خوب چرا این کار را نکند؟

انفعال طولانی مدت و رفع خلا استراتژیک

حتی اگر دولت در یک کشور نباشد، امر توسعه رخ می‌دهد. مثلا اگر دولتی در ایران نبود آیا ایرانی‌ها به این حد نمی‌رسیدند؟ توسعه امری جهانی است. دیگر دولت-ملت‌ها کاری نمی‌توانند بکنند. الان امواج همه چیز را به سرعت منتشر می‌کنند. نگران زمان نباشید. اگر ایران طی چهار سال ۱۶ درصد جلو برود، چهار سال بعدی ۳۵ درصد جلو می‌رود. اقتصاددانان یک اشتباه بزرگ دارند که تولید ناخالص ملی را با بودجه عمومی یکی می‌انگازند. تولید ناخالص ما مثلا ششصد هفتصد میلیارد دلار است و بودجه عمومی ما مثلا ۵۰ میلیارد دلار است. بودجه عمومی یک‌دهم رقم تولید ناخالص ملی است. ما کشوری هستیم که این گنجایش را داریم که ظرفیت‌مان را یکباره چندبرابر بیاوریم. ایران بیست و سه مزیت نسبی دارد. نفت و گاز و اینها سر جایش، ما به اندازه هشت هزار سال زغال‌سنگ داریم که با تغییر و تبدیل آنها می‌توان خیلی کارها کرد. آهن و مس داریم و سه دریای ممتاز داریم؛ خزر، عمان و خلیج فارس و به ارزان‌ترین کریدور دسترسی به آسیای مرکزی یعنی قلب انرژی جهان دسترسی داریم که اکنون جنگ در اوکراین به خاطر آن است که این منطقه را از زندان روسیه آزاد کند. از سرخس تا چهارپا ده ساعت با یک قطار راه است و می‌توان افغانستان و پاکستان را دوروز رازد. همین مزیت استفاده از وضعیت جغرافیایی است. ژئوپلیتیک یک دانش است. جغرافیای ما این مزیت را به ما داده که از آن استفاده کنیم. گردشگری ما پارسل در اوج فلاکت حمله میلیارد درآمد داشت. اسپانیا پنجاه میلیارد دلار از گردشگری داشت. ما می‌توانیم این میزان را به چهل و پنجاه میلیارد دلار برسانیم. ما روی اینها تمرکز نکردیم. باید اقتصادمان قوی باشد. کسی که پول دارد مثل اژدهاست.

مدل دولت-تمدن چین

این یک دروغ بزرگ است که رسانه‌ها آن را منتشر کرده است. ملی‌گرایی پنج هزار سال است که در اینجا شکل گرفته است. اولین دولت جهان بعد از ایران، کره و سپس چین بوده است. این را در تاریخ بخوانید. اولین دولت جهان بعد از ایران، این دو کشور بوده‌اند. ما پنج هزار سال تعریف از انسان داریم. اینها می‌آیند چین را دولت-تمدن بگویند؟ کمونیسم یک پوشش است. اصلش ملی‌گرایی است. هر چه می‌خواهید تخیل کنید. آنچه جاری است دولت-ملت است. مثلا ما آیا اکنون می‌توانیم از لبنان سربازگیری کنیم؟ آیا اجازه این را می‌دهند؟ خوب محدوده ما یک درصد جهان است و در این محدوده عمل می‌کنیم. ما در این محدوده یک میلیون و ششصد هزار کیلومتری فاکتور به اعمال حاکمیت هستیم.

من معتقدم ژئوپلیتیک شش هفت سال بیشتر از آینده زامنی بیند. چون فناوری همه چیز را تغییر می‌دهد. ما مجبوریم تغییر استراتژی دهیم. دولت-ملت هنوز بزرگ‌ترین بازیگر هستند.

ایران و لابی یهودی و ارتباط با آمریکا

اینجا خیلی ارتباطی باهم ندارند. مگر ترکیه، عربستان و امارات روابط استراتژیک با آمریکا دارند؟ در حالی که با اسرائیل هم سفارتخانه دارند. قطر که سفارتخانه‌ای در اسرائیل ندارد. دوحه بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکایی بعد از ده‌پن‌گو گارسیا در اقیانوسیه است. نامه‌ها با اسرائیل رابطه برقرار کرده است. اصلا لازم نیست ما اسرائیل را به رسمیت بشناسیم.

نقاط قوت، منابع و توانمندی ما

یکی از منابع ما، جغرافیای ما است. ما در بیست و پنج تا چهل و سه درجه جغرافیایی قرار گرفته‌ایم که بهترین موقعیت را به ما می‌دهد. موقعیت نسبی ما در وسط بیضی انرژی جهان قرار داد که ۵۴ درصد انرژی جهان اینجا تولید می‌شود. در این محدوده یک طرف قفقاز خیز و یک طرف هم شبه جزیره عربستان است، علاوه بر اینکه خودمان در نفت و گازرتبه داریم. کنار روسیه قرار داریم و مستقیما به آن دسترسی داریم. ما محور مقاومت را در سطح جنگ‌های نامتقارن داریم. اگر کسی بخواهد استراتژی را ببیند و جغرافیا را ببیند، مشکل پیدا می‌کند. جغرافیا به استراتژی ملی کمک می‌کند.

روسیه، اوکراین و قفقاز

جنگ در دو جبهه بسیار سخت است. روسیه با یک ناسیونالیسم تازه شکل گرفته آذری رویه‌رو است که اگر همین‌گونه پیش برود ایران را هم با خطر مواجه می‌کند. اگر نتوانیم یک آمران ملی را به وجود بیاوریم، در آذربایجان، گرجستان و ارمنستان که قفقاز جنوبی هستند و در اوستیای جنوبی، اوستیای شمالی، آبخازیا و… که قفقاز را تشکیل می‌دهند، نوعی ملی‌گرایی به‌وجود آمده است و بعد هم نوعی ضدیت روسوفیلی به‌وجود آمده که هم بالای ۹۰ درصد در گرجستان غالب است و هم در ارمنستان هست و در آذربایجان هم که پیروزی ندارد به دلیل این است که خاندان علمی اف بتوانند بر قوه‌باغ مسلط شوند، روسیه را از خود می‌دانند و زیر پوشش آن هستند. ولی در هر صورت به‌نظم روسیه در کل و به فروپاشی است. تکیه و بدتر از قفقاز، در آسیای مرکزی هم چین و ترکیه نقش آفرینی می‌کنند. ترکیه کشور بسیار عجیبی است. در دو جنگ پنجاهی یا روسیه را در قفقاز شکست داده است. همین الان هم مرز ما با ارمنستان را آنها دارند کنترل می‌کنند. در توان استراتژیک روسیه نیست که بتواند قفقاز را در دست داشته باشد. الان بوتین آمده با استناد سابقش یعنی علی اف دارد صحبت می‌کند. چون جایی برایش باقی نمانده است. گروه قفقاز به اوکراین ارتباط دارد. حتی اگر اوکراین با فرض نزدیک به محال پیروز نشود، باز هم روسیه در قفقاز نمی‌تواند کاری انجام دهد. وجود ترکیه، ملی‌گرایی گسترده روس، ارمنستان و ملی‌گرایی خفته آذربایجان در میان است و از آن سو هم در شمال با داغستان، چین و آبگویش و… روبه‌روست.

روس‌ها هم برای دریای سیاه آمده‌اند و هم برای اینکه جلوی ناتو را بگیرند. هم کشتی‌ها و هم زیردریایی‌هایشان را الان از دست داده‌اند و در دریای سیاه باخته و آنها را به آذرف برده و موضع‌گیری کرده‌اند. در قفقاز نمی‌توانند کاری کنند. اگرچه خیلی برایشان مهم است. روس‌ها از طریق کل رادارهایی که بالای سبیلان، بزغوش و بالای بینالدو بود کنترل قفقاز جنوبی را در دست داشت و تمام ترکمن صحرا را کنترل می‌کند. ولی قفقاز را نمی‌تواند. بوتین دچار یک آفتنگی است؛ چون متحد استراتژیکی ندارد.

روسیه الان ۱۲۲ میلیون جمعیت دارد و دارذ از گینه و افغانستان و… نیرو وارد می‌کند. نیروی نظامی ندارد. اینها سرباز مسلح‌تر سوخو ۳۵ است. الان رنگور تنها جایی است که روس‌ها آن را کنترل می‌کنند و مرزبان دارد. مرزبان و نیروی نظامی یا تاکتیکی فرق دارد. امکان ندارد بوتین و فرادتیرو روسیه بتواند نفوذ سال

۴۰۰۰ را در قفقاز داشته باشد.